

استمرار خلافة الله في أرضه بعد رسول الله

محمد (صلى الله عليه وآله):

استمرار خلافت خداوند در زمین، پس از

محمد رسول خدا(ص)

ختم النبوة:

ختم نبوت

النبوة بمعناها العام أي معرفة بعض أنباء السماء لا تختص بخلفاء الله في أرضه، بل هي متاحة لكل الخلق وكل من يخلص لله فَإِنَّ الله يمكن أَنْ يفتح له باب معرفة بعض أنباء السماء، وبهذا فهو يكون نبياً بهذا المعنى أي عارف ببعض الأنبياء من السماء، والنبوة بهذا المعنى حتماً متاحة لكل خلفاء الله صلوات الله عليهم؛ لأنهم سادة المخلصين لله سبحانه وتعالى، وسادة خلفاء الله بعد محمد (صلى الله عليه وآله) هم آل محمد (صلى الله عليه وآله)، فلا معنى لفهم أَنَّ ختم النبوة يعني أنهم (صلوات الله عليهم) لا يوحى إليهم.

نبوت به معنای شناخت برخی از خبرهای آسمانی است و مخصوص خلفای خداوند در زمین نمی باشد. بلکه این موضوع در دسترس همه ی مخلوقات و افرادی است که برای خداوند اخلاص بورزند. ممکن است خداوند درب شناخت برخی اخبار آسمان را برای فردی باز کند. به همین خاطر او به این معنا نبی و پیامبر است. یعنی از برخی اخبار آسمان آگاه است. نبوت به این معنا حتماً برای همه ی خلفای خداوند (صلوات الله عليهم) در دسترس است؛ به این خاطر که آنان سرور مخلصان برای خداوند سبحان و متعال هستند و سرور خلفای خداوند پس از

محمد (ص) همان آل محمد (ع) هستند. پس این فهم که ختم نبوت، به معنای عدم وحی به ایشان (صلوات الله علیهم) است، نادرست است.

إذن، فما هو ختم النبوة بعد محمد (صلی الله علیه وآله)؟
بنابراین ختم نبوت پس از محمد (ص) چه معنایی دارد؟

في الحقيقة إنّ النبوة الرسالية من الله هي التي ختمت بمحمد (صلی الله علیه وآله)، وسبب هذا الختم هو بعث خليفة الله الكامل محمد (صلی الله علیه وآله)، والوصول إلى غاية الخلق وهي خليفة الله الكامل محمد (صلی الله علیه وآله) الذي يقوم مقام الله في الإرسال، لهذا افتتحت به النبوة الرسالية منه (صلی الله علیه وآله)، و هذا التغيير حتمي بعد أن وصلت النوبة إلى خليفة الله الكامل محمد (صلی الله علیه وآله) الذي مثل اللاهوت في الخلق¹.

درحقیقت نبوتی ارسالی از سوی خداوند، همان چیزی است که با محمد (ص) به پایان رسیده است؛ و علت این ختم، برانگیخته شدن خلیفه‌ی کامل خداوند، محمد (ص) و رسیدن آفرینش به هدف خلقت است، که همانا خلیفه‌ی کامل خداوند، محمد (ص) می‌باشد، که در ارسال و فرستادن، در جایگاه خداوند است. به همین خاطر آن نوع از نبوت که فرستادن از سوی محمد (ص) انجام می‌شود، از او آغاز شده است. این تغییر پس از این که نوبت به خلیفه‌ی کامل خداوند، محمد (ص) رسید، حتمی است؛ چراکه او جلوه‌ی لاهوت در خلق است.²

خلفاء الله بعد رسول الله محمد - خليفة الله الكامل - لهم مقام النبوة، ولكنهم رسل من محمد (صلی الله علیه وآله)، فمرسلهم والمهيمن على إرسلهم محمد (صلی الله علیه وآله). وهذا المعنى يوضح معنى الروايات التي تنفي نبوتهم والأخرى التي تثبت

¹ تفصيل أكثر تجده في كتاب "النبوة الخاتمة".

² برای تفصیل بیشتر به کتاب «نبوت خاتم» مراجعه نمایید.

أنهم يوحى لهم، فالمنفي هو النبوة الرسالية من الله سبحانه وتعالى، وليس مطلق النبوة الرسالية.

خلفای خداوند پس از محمد رسول خدا (ص) - خلیفه‌ی کامل خداوند - جایگاه نبوت دارند. ولی آنان فرستادگانی از سوی محمد (ص) هستند. فرستنده و پشتیبان آنان محمد (ص) است. این موضوع، معنای روایاتی را که نبوت آنان را منتفی می‌کند، و نیز روایات دیگری که ثابت می‌کند که به ایشان وحی می‌شود، را روشن می‌سازد. چیزی که پس از محمد (ص) منتفی است؛ نبوت از سوی خداوند سبحان و متعال است، نه مطلق نبوت.

في بصائر الدرجات:

بصائر الدرجات:

«حدثنا عمران بن موسى عن موسى بن جعفر عن الحسين بن علي عن علي بن عبد العزيز عن أبيه قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): جعلت فداك أن الناس يزعمون أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) وجه علياً (عليه السلام) إلى اليمن ليقضى بينهم فقال علي فما وردت علي قضية ألا حكمت فيها بحكم الله وحكم رسوله (صلى الله عليه وآله). فقال: صدقوا.

قلت: وكيف ذاك ولم يكن انزل القرآن كله وقد كان رسول الله (صلى الله عليه وآله) غائبا عنه؟ فقال: تتلقاه به روح القدس»³.

علی بن عبد‌العزيز به نقل از پدرش می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: (فدایتان شوم؛ مردم گمان می‌کنند که رسول‌الله (ص) علی (ع) را به یمن فرستاد تا بین آنان قضاوت نماید. علی (ع) فرمود: هر مسئله‌ای که برای من پیش می‌آید، در آن با حکم خداوند و حکم رسولش (ص) حکم نمودم. امام (ع) فرمود: راست می‌گویند.

عرض کردم: این چگونه است، در حالی که همه‌ی قرآن فرستاده نشده بود و رسول الله (ص) نیز از او پنهان بود؟ فرمود: روح القدس به ایشان القا می کرد).⁴

وفي الكافي:

كافي:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) إِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) كَانَ مُحَدِّثًا فَقُلْتُ فَتَقُولُ نَبِيٌّ قَالَ فَحَرَّكَ بِيَدِهِ هَكَذَا ثُمَّ قَالَ أَوْ كَصَاحِبِ سُلَيْمَانَ أَوْ كَصَاحِبِ مُوسَى أَوْ كَذِي الْقَرْنَيْنِ أَوْ مَا بَلَغَكُمْ أَنَّهُ قَالَ وَفِيكُمْ مِثْلُهُ»⁵.

حارث بن مغیره گوید: امام باقر (ع) فرمود: (علی (ع) مُحَدِّث بود. عرض کردم: آیا می فرمایید که پیامبر بودند؟ دست خودش را این گونه حرکت داد و سپس فرمود: مانند همراه سلیمان یا همراه موسی یا مانند ذوالقرنین یا آن چه به شما رسیده است که [علی] گفت: در میان شما نیز مانند او (ذوالقرنین) هست).⁶

ويجب الالتفات إلى أنّ ختم النبوة الرسالية من الله، وافتتاح النبوة الرسالية من محمد (صلى الله عليه وآله) لا يعني أفضلية السابقين؛ لأنّ هذا الأمر بحد ذاته لا يعني أفضلية معينة، حيث إنّ الرسالة من محمد هي رسالة من الله سبحانه وتعالى، فالإرسال السابق من الله ومن خلال محمد (الحجاب الأقرب)؛ لكونه لم يُبعث، والإرسال اللاحق من الخليفة الكامل محمد (صلى الله عليه وآله) وبأمر الله كونه قد بُعث.

باید توجه نمود که ختم نبوت ارسالی از سوی خداوند و آغاز نبوت ارسالی از سوی محمد (ص) به معنای برتری پیامبران پیشین نمی باشد؛ به این خاطر که این

⁴ بصائر الدرجات، صفار، ص ۴۷۲.

⁵ الكافي - الكليني: ج 1 ص 269.

⁶ كافي، كليني، ج ۱، ص ۲۶۹.

موضوع در حد خود، به معنای برتری مشخصی نیست؛ چراکه رسالت از سوی محمد (ص)، در واقع همان رسالت از سوی خداوند سبحان و متعال است. ارسال پیشین از سوی خداوند و از راه محمد (ص) (حجاب نزدیک‌تر) بود؛ چراکه او هنوز برانگیخته نشده بود. ارسال بعدی نیز از سوی خلیفه‌ی کامل، محمد (ص) و با دستور خداوند است، آن‌هم بعد از برانگیخته شدن او.

وسیأتي الكلام في علم خلفاء الله في أرضه وأنه وحي ساعة بساعة بخصوص ما يحتاجه الناس في أمور دينهم. وهنا أورد رواية في مصدر علمهم تناسب المقام، يبين فيها الإمام أنهم رسل من محمد (صلى الله عليه وآله)، وأن من يعلمهم هو رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله). وبالطبع بالنسبة لخلفاء الله بعد علي بن أبي طالب؛ فإنّ علياً هو باب محمد (صلى الله عليه وآله) مدينة العلم، فلا مانع أن يكون هو طريق علمهم أيضاً:

حال در مورد علم خلفای خداوند در زمین که همان وحی لحظه به لحظه در مورد نیازمندی‌های مردم در مسائل دین آنان است، سخن می‌گوییم. اکنون روایتی را در مورد منبع علم آنان می‌آورم که با جایگاه مناسبت دارد، که امام در آن بیان می‌کند که ایشان فرستادگانی از سوی محمد (ص) هستند و فردی که به آنان آموزش می‌دهد، همان رسول‌الله محمد (ص) می‌باشد. طبعاً در مورد خلفای خداوند پس از علی بن ابی‌طالب، علی همان درب محمد (ص) است که شهر علم می‌باشد. مانعی نیست که ایشان نیز راه علم آنان باشد:

«حدثنا عبد الله بن محمد عن محمد بن الوليد أو عن رواه عن محمد بن الوليد عن يونس بن يعقوب عن منصور بن حازم قال سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: إن عندنا صحيفة فيه أرش الخدش. قال: قلت: هذا هو العلم. قال: إن هذا ليس

بالعلم إنما هو اثرة إنما العلم الذي يحدث في كل يوم وليلة عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) وعن علي بن أبي طالب (عليه السلام) « 7.

منصور بن حازم گوید: (از امام صادق ^(ع) شنیدم که فرمود: نزد ما صحیفه‌ای است که حتی دیه‌ی خراش هم در آن هست. عرض کردم: این علم است. فرمود: این علم نیست. این ارث است. علم چیزی است که هر روز و شب از رسول الله (ص) و از علی بن ابی طالب ^(ع) ایجاد می‌شود). 8.

⁷ بصائر الدرجات - الصفار: ص 344.

⁸ بصائر الدرجات، صفار، ص 344.